



ضرورت حل دموکراتیک مسأله قبایل در کشور

متأسفانه از مدتی است که دولیات بکتیا میان قبایل جاجی و منکل اختلافات و زدو خورد هائیس جریان دارد. با نفع نمیتوان درباره این زدو خورد ها و اختلافات صحبت و قضاوت کرد. زیرا در این مورد معلومات دقیق و بیطرفانه و مؤسسه در اختیار ما نیست. معلوماتی هم که از جانب محافل حاکمه و محافظ وابسته به قبایل شایع است، آنقدر با نفع ندارد که هر گونه اظهار نظر و قضاوت را اجازه نمیدهد. ولی این واقعه خوین و تار آرزو نگار دیگر نوجه ما را با این امر معطوف مینماید که نظام کهنه اجتماعی قبیلوی و طرق حل مسأله قبایل را بطور کلی مورد بحث قرار دهیم.

کلی اقتصاد طبیعی است:
مختصین وسیله معیشت افراد قبایل کشور تکپادری و پرورش حیوانات و جنگلداری بشمار میروند. بهین جهت عموماً افراد قبایل بسر حسب تقییر فصل و آب و هوا، زندگی بیلابی و قشلاقی دارند و همیشه محکوم طبیعت بوده و با زمخت و هزرت عیاش بسر میبرند و فاقد مویسات فرهنگی و مصلحی اند و در منجارب فقر، جهل و مرض دستخو با میزند.

در نظام اقتصاد قبیلوی افراد قبیله تابع روسا و خاوتین استند که علائق خوئی، خالوادگی، غوس و غمغونی آنها را با هم پیوند میدهد. روی این علائق است که افراد قبایل معزول در پیش سر روسای قبایل فرور میگردند و با حکومتی و پادشاهی قبایل رقیب و مخالف در جنگ و زدو خورد بسر میبرند. بنابر خصوصیت سیستم قبیلوی معمولاً قبایل با قدرت مرکزی مخالفند و از آزادی نظام قبیلوی دفاع مینمایند.

عملیات مسلح قبایل در افغانستان سابقه طولانی دارد. قبایل کشور بر حسب خصیت اجتماعی خود با قدرت مرکزی میخیزد داشته و بان مسلمانانه مبارزه کرده اند. از زمان تحصیل استقلال که پنجاه سال میگذرد تاکنون قبایل کشور ده ها مرتبه قیام کرده اند و هیچگاه آرامش کامل واقعی در مناطق قبیلوی ایجاد نشده و مسأله اسکان و مسالمت مسلح بودن افراد قبایل همچنان لاینحل باقی است.

علاوه برین قابل تذکار است که در دوران پیش از یکفر استعمار بریتانیا و هم اکنون در پشتوستان آزاد موارد فراوانی پیش آمده که قبایل شمال شرقی، شرقی و جنوبی افغانستان به مبارزه مسلح علیه مداخلات و تجاوزات استعمار و امپریالیزم و استبداد بر خاسته اند که دارای خصیت و طبیعتستانه بوده است.

طرق حل مسأله قبایل در کشور:
که به صراحت اعلام میگردد که ما، (ص)

انگیزان و دخیل دفعه خا ثنا نه بلان دتظییق دیاره دافغانستان یوخوانی مخلوع اود خلکو له خوا شروولشوی پاچا شاه شجاع، چه به هندوستان کی ژوند کاود او به افغا نستان کی بی هیچ پول رسمیت او حیثیت نه در لود را پیدا کی. دهغه دپاچاهی له حرص او خود خواهی سخه نی استفاده و کسه او د افغا نستان دراتلو نکی یا جا به حیت ن دلومری خل دیاره دافغا نستان دتجر سی معاهده پی ده بانندی لاس لیک کی. دهغه معاهده چه دلاهور د معا هدی به نامه یادیی اود بین المللی معاهداتو به تاریخ کی بی لی ساری لیک کی ۱۸۳۸ سال د جون به ۶ تبه به لاهور کی دانگریزانو، شاه شجاع او

د پښتونستان تاریخی پس منظر پښتانه خه خواری؟

رنجیت سنگم تر مخ لا سلیک شوه اودهی به اساس شاه شجاع د کابل دخت به بدل کی دافغا نستان له شرقی و لایانو (بلو چستان اوصوبه شرقی) نه لاس او خست او د سکپانو حکومت نی پی غو و لایانو بانندی برسیمت ویزانه چه رنجیت سنگم له مرگانه ورو سنه انگر یزانو به هغه بانندی قبضه و کر له. دافغا نستان دخلکو، بر گنو دهغی بی شر ماته معاهدی به مقابل کی کلک مقاومت و کی شاه شجاع کی به ډیر رسوا شکل لکه ختکه چه ورسره شاینده وواژه. انگریزان مجبور شول چه دلاهور د معاهدی تطبیق د باره به دافغانستان بانندی حمله و کر چه بت دشمال له خوا د موهوم خطر و سلی صورت د دافغان او انکیلیت

احکام و قلمت غله

دست نگر کشور های دیگری در باشند و سطح تولیدات زراعتی در داخل اینقدر عقب مانده نگه داشته شود و محکترین و ملاکین بزرگ با دست آزاد به چپاول مردم بپردازند. اقدام اولی قانع دین زمیننه کرتانه کردن نوری دست محکترین دوبرابر و زمانه عادلانه برای غله و بخصوص گندم و امدات سیلواها گدامهای عصری در تمام شهرهای کشور میباشند. ضرورت به ایات نیست که سیلوا ها برای نگهداشت غله، جلوگیری از شایعات و تنظیم قیمت های آن حایز اهمیت فراوان است و بهترین نمونه آن سیلوا های کابل و بلخمری است که مجموعاً گنجایش ۷۰ هزار تن غله را داراورد و هر یک باهم وسایل عصری ماشینیه مجهز میباشند که میتوانه برای مدتی بیشتر از ده سال غله را بدون اینکه فاسد و پوسیده گردد حفظ نماید. این سیلواها به انضمام بانکهای آب و یک کارخانه منخل بزرگ نان بزی در جوار سیلوا های کابل در زمرة اولین کشورهای مساعداقتصادی و تخنیک کی کشور بزرگ دوست و همناسه ما اتحاد شوروی است که

مبارزه علیه اعتیاد به تریاک و چرس و الکل

دور کند، با هر امر طبیعی است. لذا اعتیاد به تریاک، چرس و الکل و دیگر مخدرات و مبتل شدن به انحرافات اخلاقی، عوارض طبیعی نظام های اجتماعی و نابسامان و تضاد های اجتماعی ناشی از آن محسوب میگردد. نیروی اجتماعی و ارتجاع برای تأمین مقاصد شوم استعماری و طبقاتی خویش از ترویج این عوامل حیثی وسیله استفاده مینمایند و از این راه میگویند نیروی کار و روحیه مبارزه را در بین مردم بکشدند و زمینه را برای حکمرانی و استعمار ظالمانه خود مساعد سازند. از همینجاست که مبارزه علیه اعتیاد به مخدرات و سایر انحرافات از ساحت صرفاً اخلاقی بیرون می شود. و جزء مبارزه اجتماعی قرار میگیرد. بی عدالتی اجتماعی و بیسودی دامنگیر مردم ما باشد. قوتی که حرف نفیسترات بنیادی در وضع اجتماعی موجود در میان نباشند، جلوگیری از اعتیاد به چرس، تریاک، الکل و غیره ادریه مخدره، انحرافات اخلاقی و مغز ناشی از آن تنها از راه اندرز های

به پمله به افغانستان بانندی خیله **دوهمه** تا مردانه خیله و کی. افغانستان له نیسو لونه وروسته د افغا نستان به امیر، معده یعقوب خان د بانندی د گنمک د معاهدی به نامه به ۱۸۷۸ کال کی یوه بله «عیسیه» معاهده به زور او جبر سره افغا نستان ددنی کی د مخالفت او مبارزی جنده پورته و. به آزاد قبایلو، به محکومو سیمو او به بلو چستان کی د انگریزانو به مقابل کی سه او توده بکجه به شدت سره روانه و. ترسره به افغا نستان مجبور شول چه دخلکو دقتا و مت دشمالو او دافغانستان تجزی د شپشو لو به بت دشمال له خوا د موهوم خطر و کولو سره لاهور او گندمک معا هدی دافغانستان تجزه بشپره کی. بتی صورت دافغانستان شرقی ولایتو ددوسترو و طالبان استعماری بکجه به نتیجه کی له افغا نستان نه چلاکری شول. دزور او جبر له لاری به برتانوی هند پوری و تزل شوو او به افغانستان بانندی استعماری تسلط زینه دراتلو تکر کلو دیاره بسرا بره شو. دافغانستان پول و لاس کی بره که در دقتو استعمار میعادو او به افغانستان بانندی استعماری تسلط به مقابل کی خیلو مبارزی به مسلسل دول جاری و مسالمتی او یوه شبیه هم گرا کی نه ناسل، به آزاد علائق کی د توبیکو ډډو او به محکومو سیمو کی د خان عبدالغفار خان تر مشیو ط او مجبور قیادت لاندی د سرخو - شانو د انقلاب زنده باده ناری تسل جاری و تر خو چه به ۱۹۱۹ کال کی دافغانستان او پښتو نستان د زلود و قیر مانانه عمومی قیام به نتیجه کی انگریزی امپریالیستان له مانی سره میامج شول او دافغانستان د خیلو کی ملو ته بی غاوه کینودله. دافغانستان له خیلو کیو سره مشوروز د خیلو دیلو بره بره تر سره شوه خوله به دمرغه د نامساعدو ملی او بین المللی شرایط له کبله زمو به پښتانه ورو به یا تمه خو به جلا او محکوم یانه شول. او هغو سی هیخته که ملتو ته شول او د استعماری تسلط ملتو بی غاوه کی نه پسته دله دپښتنو د ملی خیلو کی نبضت ټول هند له ملی نبضت سره لاسونه یو کرل او د انگریزی استعمار به مقابل کی بی جفا معاد هاتو شدت و ورک تر خو چه بی به شریکه سره دهنده برصغیر نه دسارام کبیله ټوله کی له پخوا تر دی چه هندوستان په د دو بر سر خسو و و پشلس شوی د پښتنو د ملی خیلو کی یواختی نماینده گوند (خدای خد خمتکارو) به ۱۹۴۷ کال کی به ټوکی جلسه و کره او د خیلو کی د ترون به نامه بی یوه فیصله صادره کرله چه پښتانه به هندوستان غوازی او به پاکستان بنایه. به جمبوری اصولو بانندی بنامشوی خیل حکومت غوازی چه واک بی دولس به لاس کی وی خوگله چه به ۱۹۴۷ کال کی هند ویشل شو برته له دنجی انگریزان دپښتنو دینو او لسی فیصله به نظر کی ویشی اودخیل سر نوشت د تالکو دحق به اساس پښتنو به حق خود ارادیت و کر، د تلو بین المللی و بشری اصولو او مقرراتو به خلاف بی دوی به یوازی به پاکستان بسا هندوستان پوری تزل کی و خور کی. او بدی صورت بی یوخل بسا دغه مساله لا بنفصله برسیفودله او د افغانستان او پاکستان ترمیخ بی د (ص)

غریبستانی

در سر تا سر کشور بسط و گسترش یابد. چه هنوز در تمام شهرهای مملکت نان غیر صحنی مردم عرضه نمیکرد. هنوز هزاران آسیاب آبی فرسوده که میراث دورانهای اولیه زندگی بشری است گندم و سایر غلجات را با خاک، ریخت و کثافت آنها بگذازد کرده بخورد مردم سود خوران حرص و ملاکین بزرگ هم اکنون در کدام ها و زیر تله های خاک که در قبض محکترین آرمند. سود خوران حرص و ملاکین بزرگ نام در شهر کابل. خلق مشهود است. با یکبار اقیصدن و فابریکه نان بزی یکی از مشکلات عدده اکثر شفاخانه ها، موسسات، مکاتب اولیه و بخصوص مراکز عسکری که قبلاً در آن بصورت صحنی تهیه میگردد و موجب آزاد و لذت سیاهان و مردم میشد، از حدود زیادی رفع گردید و سهولت های زیادی را برای آنها بوجود آورد. بنابر این ایجاد مینماید که نه تنها از سیلوی مرکز و ملحقات آن درجهت مصالح مردم استفاده درست و همه جانبه عمل آید. بلکه لازمه آنست که شبکه وسیعی ازین نوع تأسیسات

اخلاقی و تداوی های موقتی هرگز بجای نخواهد رسید.

بنابر این اقدام جنی و اساسی در مبارزه علیه اعتیاد به مخدرات و انحرافات اخلاقی که ریشه عیسیت اجتماعی دارد، عبارت است از تغییر و تحول اساسی در وضع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور. تا رفیاه میلیونها خانواده کشور تأمین نکرد و خانواده معنی حقیقی خود را پیدا نکند، کانون گرم محبت و مصونیت خانواده ایجاد نگردد، مردم از آزادیهای مدنی و سیاسی برخوردار نشوند، فقر و محبت جیل از میان برداشته نشود، شوق زندگی و مبارزه و کار در مردم اجیا گردد و در آخرین قیود شدیدی بر تولید و توریه مخدرات وضع نگردد، هزرتو تعادلی جلوب گیری از آن بر خو پاکند محض و بی حاصل مفهوم دیگری نخواهند داشت. در خاتمه خاطر نشان می گردد که با مبارزه بیکرو نوشاندن ضرر های اعتیاد به چرس، تریاک، الکل و غیره (ص)

پراپلمهای حمایتی رادارشد غیر سرمایه داری

جنبه متحد دموکراتیک ملی

این سلسله کادر دو شماره گذشته بنابر ترا کم مسا بین تعقیب نگردیده بود، از این شماره دو باره دنبال می شود.

انگشاف بیشتر انقلاب دموکراتیک ملی و حل پراپلمهای حیاتی ملی اتحاد عمه نیرو های وطنپرست را ایجاد مینماید.

تمام اقتدار و طبقاتیکه در برابر امپریالیزم قرار دارند و از استعمار و عقب ماندگی اقتصادی رنج مینورند در چنین اتحاد دینفتمند آنچه زمینه و شرایط عینی جنبه اقتصادی ملی را تهیه می بیند چیست گنرد ضد امپریالیستی جنبش آزادی بخش ملی و تمایل ازین بردن عقب ماندگی اقتصادی کشور های رو به انگشاف مینماید.

مبارزه در را اجرای پرو گرام دموکراتیک عمومی ضرورت با انقلاب جدید ندارد. این مبارزه در جریان انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استعماری یعنی انقلابیکه کشور ها را به استقلال سیاسی میسازد، صورت می گیرد. تقاضای از بین برداشتن رژیم استعماری و کسایبی کردن استقلال ملی بیحد بلاغاری اجرایی و طبقه مینماید که کلیه نیرو های وطنپرست ملی را در مرحله مبارزه بخاطر استقلال سیاسی جنبش آزادی مینماید. در مرحله جاری انگشاف و برور گرام اصلاحات دموکراتیک عمومی بیحد چنین بلاغاری خدمت مینماید.

استقرار دموکراتیک ملی یک جریان پیچیده است. جنبه متحد برای اهمیت های دواز و مدتای کوتاه، برای اهداف عمده ملی و بخاطر اهداف خاص استقرار یافته مینماید. یک جنبه پایدار و رزمنده در نتیجه موافقت های موقتی رهبری از بالا بوجود آمده مینماید.

جنبه دموکراتیک ملی تنها در جریان فعالیت تئوریک از پائین و در اثر مساعی مشترک طبقات و گروه های اجتماعی بوجود آمده مینماید. جنبه در مبارزه روز روزه بخاطر حقوق خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خلق کارگر تأسیس میشود. همبستگی نیرو های مختلف اجتماعی در یک جنبه متحد، تنها در زمانی پایدار شده میتواند که پروگرام درستی برای آن طرح شود باشد. اهداف ملی را در یکدیگر قابل ملاحظه تاریخی تعریف نماید و متافع ملی نیرو های هرگاه که در جنبه متحد گردیده اند در نظر بگیرد.

ترکیب جنبه از یک کشور نسا کشور دیگر و از یک مرحله تا مرحله دیگر انقلاب فرق می کند.

این وابسته بهواملی از قبیل خصلت تضاد ها بین امپریالیزم و فیودالیزم از یکطرف و نیرو های دموکراتیک از طرف دیگر و درجه ساد بودن تضادهای طبقاتی، ترکیب اجتماعی نفوس، رشد سیاسی و سازمان طبقه کارگر و دیگر نیروهای اجتماعی مینماید. امکان آن وجود دارد که ترکیب جنبه در جبرسان مبارزه بخاطر مقاصد مشخص همچنان بخاطر اهداف عمومی ملی تغییر کند. معمولاً ترکیب جنبه در هر مرحله مبارزه تغییر مینماید. زیرا بعضی از گروههای اجتماعی، احزاب و سازمانهای عامه یا افراد متعصب میشوند. خواستشان برآورده شده است. بنابراین از حیات فعال سیاسی عقب میروند، ولی در برابر آن نیرو - های جدید به نضت می پیوندند. چون مبارزه نموده ای رشد مینماید هسته که تمام دموکراتها را در خود جمع میکند شکل می گیرد.

تأسیس جنبه متحد و ترقی غیر سرمایه داری تحت رهبری هر یک از طبقات دموکراتیک، کارگران، دهقانان یا خوره بورژوازی امپریالیست در بعضی حالات رونق گرفتن مترقی بشمول نظامیان انقلابی و رهبران جنبه میشوند.

تغییرات در تناسب نیرو های طبقاتی در اثناء مبارزه حتمی است. مبارزه سر سیرده طبقه کارگر که پیگیر ترین طبقه انقلابی امروزی بشمار میرود. پیش ازین دهقانان، خرد بورژوازی شهر و دیگر گروه های اجتماعی را که ایمان برهبری آن در جنبش دارد، بخود جذب و کامی می کند. رهبری طبقه کارگر از راه فرمان دادن تأمین نمیکرد. آنچه رهبری طبقه کارگر را تأمین مینماید مبارزه روزانه بخاطر توفیق نمود آن در بخش های وسیع نفوس مینماید. تنها برین اساس است که پروتاریا میتواند رهبری جنبه متحد را در دست گیرد.

پروتاریا پیش از آنکه جنبه دموکراتیک ملی است که اتحاد کارگر و دهقان هسته آنرا تشکیل میدهد. در مبارزه علیه امپریالیزم و حل پراپلمهای دموکراتیک عمومی، دهقانان معتمد ترین متحد طبقه کارگر مینماید. طبقه کارگر سازماندهی شده و رهبری کدناکه در راه بر آورده ساختن خواستهای آنها و تکمیل انقلاب زراعتی مبارزه نکند و آنرا برای سپهر گرفتن فعال در جریان انقلابی بخود جلب نینماید. اتحاد کارگر و دهقان مینماید.

انقلاب دموکراتیک را نیرو مینماید. قشرهای آن انارزشت نیست. تابع نوسانات مینماید. لایه بسوی بورژوازی متوسط میگذرد و در حالیکه قشر های دیگر انقلابی مینماید. این قشر های دیگر برای آن از لحاظ موضع خویش به پروتاریا نزدیک مینماید. در اثناء انقلاب به آن میپیوندند و تحت رهبری پروتاریا برین عنصر واقعی انقلابی مبدل میگردد.

رشد مستقل کشور های جوان نشان میدهد. همبستگی رهبران بورژوازی قدرت را در دست گرفته فاسد شده، بیک نیروی ارتجاعی یا انقلابی سو سیالستی بسط و توسعه داد. جنبش دهقانی (بخصوص اگر تحت رهبری دموکراتهای انقلابی باشد) دوز نهای تازه را بخاطر برورزی بر امپریالیزم و پیشبرد راه رشد غیر سرمایه داری کشوده است. اکنون که جنبش آزادی بخش ملی در بسیاری از کشورهای از لحاظ اقتصادی عقب مانده، جاتیکه ندرتا طبقه کارگر وجود دارد، پیروز شده است. رشد آنه تا اندازه زیاد وابسته به اینست که:

استقرار دموکراتیک ملی یک جریان پیچیده است. جنبه متحد برای اهمیت های دواز و مدتای کوتاه، برای اهداف عمده ملی و بخاطر اهداف خاص استقرار یافته مینماید. یک جنبه پایدار و رزمنده در نتیجه موافقت های موقتی رهبری از بالا بوجود آمده مینماید.

جنبه دموکراتیک ملی تنها در جریان فعالیت تئوریک از پائین و در اثر مساعی مشترک طبقات و گروه های اجتماعی بوجود آمده مینماید. جنبه در مبارزه روز روزه بخاطر حقوق خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خلق کارگر تأسیس میشود. همبستگی نیرو های مختلف اجتماعی در یک جنبه متحد، تنها در زمانی پایدار شده میتواند که پروگرام درستی برای آن طرح شود باشد. اهداف ملی را در یکدیگر قابل ملاحظه تاریخی تعریف نماید و متافع ملی نیرو های هرگاه که در جنبه متحد گردیده اند در نظر بگیرد.

ترکیب جنبه از یک کشور نسا کشور دیگر و از یک مرحله تا مرحله دیگر انقلاب فرق می کند.

این وابسته بهواملی از قبیل خصلت تضاد ها بین امپریالیزم و فیودالیزم از یکطرف و نیرو های دموکراتیک از طرف دیگر و درجه ساد بودن تضادهای طبقاتی، ترکیب اجتماعی نفوس، رشد سیاسی و سازمان طبقه کارگر و دیگر نیروهای اجتماعی مینماید. امکان آن وجود دارد که ترکیب جنبه در جبرسان مبارزه بخاطر مقاصد مشخص همچنان بخاطر اهداف عمومی ملی تغییر کند. معمولاً ترکیب جنبه در هر مرحله مبارزه تغییر مینماید. زیرا بعضی از گروههای اجتماعی، احزاب و سازمانهای عامه یا افراد متعصب میشوند. خواستشان برآورده شده است. بنابراین از حیات فعال سیاسی عقب میروند، ولی در برابر آن نیرو - های جدید به نضت می پیوندند. چون مبارزه نموده ای رشد مینماید هسته که تمام دموکراتها را در خود جمع میکند شکل می گیرد.

تأسیس جنبه متحد و ترقی غیر سرمایه داری تحت رهبری هر یک از طبقات دموکراتیک، کارگران، دهقانان یا خوره بورژوازی امپریالیست در بعضی حالات رونق گرفتن مترقی بشمول نظامیان انقلابی و رهبران جنبه میشوند.

از (ص اول)

افراد قبایل افغانستان را مانند دیگر افراد زحمتکش و ساده دلا وطن خود هرگز نیچیب و وطنپرست نیستند و هر گونه ظلم و ستمگری، تعدد و فشار را بر آنها قویاً تمییز و محکوم میسازند.

معدالک باید جداً متوجه بود که در دوران معاصر دیکر زندگی قبیلوی شایسته این مردم پاک و شریف و نیست و باید هرچه زودتر حیات کجین و قریلین چند ملیونی افغانستان ترقی یابد و افراد قبایل کشور زندگی نوین و مدنی را آغاز نماید. تمام نیرو های ترقیخواه دموکراتیک و وطنپرست و عناصر مبدعی ملی بدین ضرورت تاریخ معتقدند که گذار از مرحله نظام قوت قبیلوی به مرحله نوین و مترقی باید مدبرانه، بدون اعمال تشدد و فشار بر مردم پاک، ساده و شجاع افراد قبایل، از طرق مسالمت آمیز، بدون جنگ و خونریزی و برادر کسی عملی شود.

مردم افغانستان تا حدودی از خود سرپا، ارتشاء، فقر، اقلیتها،

اصل محرمانه بودن مخابرات، مکاتیب، نامهها، تلفون و تلگراف مینوی بر اینست که اینها از تعرض عمومی بوده و دست و ماموران دولت مجاز نیستند که آنها را باز، افشاء و یا مسموم نمایند. محرمانه بودن اسرار نامهها و مخابرات شرط اساسی آزادی روابط سیاسی و شخصی افراد است، و اینکه در قوانین اساسی اکثر کشور ها این موضوع قید میگردد، هدف آنست که تأکید گردد تا آزادی و محرمانه بودن اسرار، مکاتب و مخابرات احترام گردیده و دولت اختیار خطی در حقوق افراد را نداشته باشد.

در دورانهای گذشته در شرایط حکومت مطلقه موسسهای رسمی از طرف حکومت تأسیس و موظف میگردد تا مکاتیب خصوصی اشخاص را باز و منتشر نماید. این عمل موجب آزادی و مندرجات آنها نقل نموده، به پولیس سپارده، قذات چنین موسسات بنام دفاتر سیاه یاد میشود. امروز نیز در کشورهای عقب مانده و رژیم های مستبد و نوع فاشیستی و یا کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره وسایل مختلفی را برای باز کردن مخفیانه مکاتیب بکار میبرند. این روه بخصوص در پراپلمهای های عناصر ملی و مترقی و آزادیخواهان، دزدانه تمیل میگردد، و ازین طریق مراسلات پوستی را که

(دلومی) مع یاتی

خبل استعماری سیاست به اساس دفاع او به بینی تمیز کاره.

دینتوستان خلك چه گوای؟

موز به دلاهور، كندك اودپورنه دمعامو به قوقی ماهیت او حیثیت بانوی شیرنه بل وخت نه برپرده دلنه دومره ویل غواوچه استعماری تسلط به مودهگی، دیواجاب اویاوری استعماری اشغال تر شرایط لاندی دغیر نماینده اشخاصی او موسساتو دی لاری تر تسلط او استعماری اشغال لاندی به ولسوتو بانوی د معاصرو تحمیلول د تلوی شیری او قوقی برنسپوژیتو خلاف دی او دستمرقی بشریت به نرد هیچ پول ارزشت نری. به دینتوستان د پورتویتی معاصرو تحمیلول کامل تر استعماری او اویاوری لاندی شوی دی. اودافغانستان او دینتوستان اولس هیچ خلك به خویته او فزادحقو ملوته غایبه نهده ایچی اودغو د نایجو د شنولوزور نه ده بلکه دتلو به خیراوهگی

دیاره نی یری قربانی منلی دی اولانی منی.

د پستونستان مطالبه د پاکستان له جویدونه پخوا مینخه راغلی ده. دادینتو داکتورتوشسته دهدهاچه استعمار خارجی قوت به لسون له که ده کوم کارخانی وانلی منخه راغلی ده. پینتانا استوکان نه تجربه کوی اونه دیباکستان ولسوتو مخالف دی. پینتانه داغواوی چه دملگرو ملتی دشمنور اودیشر دحقوقو داغلامی به اساس دی دوی ته دحق وورگوشی چه خیل سرنوشت به خپله وپاکی. دنازیکی افغانیانی اوقاتن بنیادونوبه اساس دی دجوری خاروه به دوی پوری تعلق بشریت به دینتوستان دی پورتویتی معاصرو تحمیلول کامل تر استعماری او اویاوری لاندی شوی دی. اودافغانستان او دینتوستان اولس هیچ خلك به خویته او فزادحقو ملوته غایبه نهده ایچی اودغو د نایجو د شنولوزور نه ده بلکه دتلو به خیراوهگی

از (ص اول)

افراد قبایل افغانستان را مانند دیگر افراد زحمتکش و ساده دلا وطن خود هرگز نیچیب و وطنپرست نیستند و هر گونه ظلم و ستمگری، تعدد و فشار را بر آنها قویاً تمییز و محکوم میسازند.

معدالک باید جداً متوجه بود که در دوران معاصر دیکر زندگی قبیلوی شایسته این مردم پاک و شریف و نیست و باید هرچه زودتر حیات کجین و قریلین چند ملیونی افغانستان ترقی یابد و افراد قبایل کشور زندگی نوین و مدنی را آغاز نماید. تمام نیرو های ترقیخواه دموکراتیک و وطنپرست و عناصر مبدعی ملی بدین ضرورت تاریخ معتقدند که گذار از مرحله نظام قوت قبیلوی به مرحله نوین و مترقی باید مدبرانه، بدون اعمال تشدد و فشار بر مردم پاک، ساده و شجاع افراد قبایل، از طرق مسالمت آمیز، بدون جنگ و خونریزی و برادر کسی عملی شود.

مردم افغانستان تا حدودی از خود سرپا، ارتشاء، فقر، اقلیتها،

محرمانت مکاتیب و مخابرات

حاری مطالب شخصی مینماید و اشخاص را ندارد مگر بمو حسب فصله محکمه باصلاحیت . . . باوجود اینکه افغانستان عضو اتحادیه بین المللی مخابرات بوده و تطبیق بر اساسی آن عناصر ملی و مترقی را اما آزادی و محرمانت مراسلات و مخابرات بیشتر از این لحاظ کسب اهمیت مینماید که خود حکومت ماموریت بستنی و مخابراتی را بمینه دزد، بدینجهت دولت مکلف به احترام اسناد و امانات است که افراد به آن مینماید. شرم اوست که دولت ذریع بر امانت مرتکب حیات گردد، اما حکومتها مطلقه و استبدادی همیشه به چنین خیانتها و دستبرد ها بنام حفظ امنیت، که در حقیقت حفظ زور و قدرت است دست زده اند. اکنون در اکثر کشورها براساس قوانین جزائی، ماموران موظف اداره بست و تلگراف را در صورتیکه مکاتیب و مراسلات مردم را مفتوح و یا معوم و یا مندرجات آنرا بشخص ثالث و یا به حکومت افشاء و یا ازانه نمایند. محکوم به جزای سنگینی میسازند.

در کشور ما علی رغم ماده سیم قانون اساسی که میگردد: « آزادی و محرمانت مخابرات اشخاص چه بصورت مکتوب باشد و چه بسویله تلفون و تلگراف و یا وسایل دیگر آزادخواهان، دزدانه تمیل میگردد، و ازین طریق مراسلات پوستی را که

(دلومی) مع یاتی

خبل استعماری سیاست به اساس دفاع او به بینی تمیز کاره.

دینتوستان خلك چه گوای؟

موز به دلاهور، كندك اودپورنه دمعامو به قوقی ماهیت او حیثیت بانوی شیرنه بل وخت نه برپرده دلنه دومره ویل غواوچه استعماری تسلط به مودهگی، دیواجاب اویاوری استعماری اشغال تر شرایط لاندی دغیر نماینده اشخاصی او موسساتو دی لاری تر تسلط او استعماری اشغال لاندی به ولسوتو بانوی د معاصرو تحمیلول د تلوی شیری او قوقی برنسپوژیتو خلاف دی او دستمرقی بشریت به نرد هیچ پول ارزشت نری. به دینتوستان د پورتویتی معاصرو تحمیلول کامل تر استعماری او اویاوری لاندی شوی دی. اودافغانستان او دینتوستان اولس هیچ خلك به خویته او فزادحقو ملوته غایبه نهده ایچی اودغو د نایجو د شنولوزور نه ده بلکه دتلو به خیراوهگی

دیاره نی یری قربانی منلی دی اولانی منی.

د پستونستان مطالبه د پاکستان له جویدونه پخوا مینخه راغلی ده. دادینتو داکتورتوشسته دهدهاچه استعمار خارجی قوت به لسون له که ده کوم کارخانی وانلی منخه راغلی ده. پینتانا استوکان نه تجربه کوی اونه دیباکستان ولسوتو مخالف دی. پینتانه داغواوی چه دملگرو ملتی دشمنور اودیشر دحقوقو داغلامی به اساس دی دوی ته دحق وورگوشی چه خیل سرنوشت به خپله وپاکی. دنازیکی افغانیانی اوقاتن بنیادونوبه اساس دی دجوری خاروه به دوی پوری تعلق بشریت به دینتوستان دی پورتویتی معاصرو تحمیلول کامل تر استعماری او اویاوری لاندی شوی دی. اودافغانستان او دینتوستان اولس هیچ خلك به خویته او فزادحقو ملوته غایبه نهده ایچی اودغو د نایجو د شنولوزور نه ده بلکه دتلو به خیراوهگی

از (ص اول)

افراد قبایل افغانستان را مانند دیگر افراد زحمتکش و ساده دلا وطن خود هرگز نیچیب و وطنپرست نیستند و هر گونه ظلم و ستمگری، تعدد و فشار را بر آنها قویاً تمییز و محکوم میسازند.

معدالک باید جداً متوجه بود که در دوران معاصر دیکر زندگی قبیلوی شایسته این مردم پاک و شریف و نیست و باید هرچه زودتر حیات کجین و قریلین چند ملیونی افغانستان ترقی یابد و افراد قبایل کشور زندگی نوین و مدنی را آغاز نماید. تمام نیرو های ترقیخواه دموکراتیک و وطنپرست و عناصر مبدعی ملی بدین ضرورت تاریخ معتقدند که گذار از مرحله نظام قوت قبیلوی به مرحله نوین و مترقی باید مدبرانه، بدون اعمال تشدد و فشار بر مردم پاک، ساده و شجاع افراد قبایل، از طرق مسالمت آمیز، بدون جنگ و خونریزی و برادر کسی عملی شود.

مردم افغانستان تا حدودی از خود سرپا، ارتشاء، فقر، اقلیتها،

ضرورت حل دموکراتیک

نقض عهدها و مظالم ما موران حکومتی و متفقین و مرتجعین محلی اطلاع دارند. ما تعقیب این مساله را در حیات قبیلوی که ماهیتا یک سیاست سنگین است، جدامحکوم میسازیم و باید این سیاست منسوخ دیگر از ریشه عوض شود و یا بد تجوی بیادتی توام با احترام و برخورد درست به عادات، رسوم و سنن پسنده و حقوق افراد قبایل در حیات اشان وجود آید، دست عناصر متفق و مرتجع، مستبدین محلی، ممالج استعمار و مذاخه جوان خارجی و ماموران جابر، رشوه خوار و نفاق افکن از سر افراد قبایل کوتاه شود. باید توجه نمود بدین حقیقت تلخ و انگشاور مظلوم ساخت که نظام کهن قبیلوی باعث آن است که بیش از سه میلیون افراد قبایل و کوچی های کشور در شرایطی بر از زنج و مرارت زندگی نمایند و نتیجه نیروی کار و زحمت آنها به ثمره قابل ملاحظه نی رسد و همیشگی است تأثیر تحریکات سیاسی نیرو های

نقض عهدها و مظالم ما موران حکومتی و متفقین و مرتجعین محلی اطلاع دارند. ما تعقیب این مساله را در حیات قبیلوی که ماهیتا یک سیاست سنگین است، جدامحکوم میسازیم و باید این سیاست منسوخ دیگر از ریشه عوض شود و یا بد تجوی بیادتی توام با احترام و برخورد درست به عادات، رسوم و سنن پسنده و حقوق افراد قبایل در حیات اشان وجود آید، دست عناصر متفق و مرتجع، مستبدین محلی، ممالج استعمار و مذاخه جوان خارجی و ماموران جابر، رشوه خوار و نفاق افکن از سر افراد قبایل کوتاه شود. باید توجه نمود بدین حقیقت تلخ و انگشاور مظلوم ساخت که نظام کهن قبیلوی باعث آن است که بیش از سه میلیون افراد قبایل و کوچی های کشور در شرایطی بر از زنج و مرارت زندگی نمایند و نتیجه نیروی کار و زحمت آنها به ثمره قابل ملاحظه نی رسد و همیشگی است تأثیر تحریکات سیاسی نیرو های

از (ص اول)

لحظه‌ئی بادوستان

دوست گرامی ح. دزدآبی کارگرخانه سازی!

نامه شما را که بطور آهسته و تدریجی از طبقه‌های پستی تا عالی و در تمام گوشه‌های این سرزمین پراکنده شده است و در تمام گوشه‌های این سرزمین پراکنده شده است و در تمام گوشه‌های این سرزمین پراکنده شده است...

من بیعت یک کارگر از تمام شاصصیمان دعوت مینمایم که بیدار شوند. به جنبش گرایند. شیوه‌ها و اسلحه‌ها را بکار آورند. بنام هرچه فدرته نبیوند. از هم بپرسید. از همدیگر بیاموزید و بیهودگی بیاموزید. حلقه‌های انضامی خود را ایجاد کنید. برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری در هر جا که هستید مبارزه کنید. مرد قوی بین دوستان و دشمنان بکشید. سازمان محکم و طراز نسوین خود را. بهمدستی ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق. بنیانید. در مواقع لازم از یکدیگر پشتیبانی نمائید. نقشه‌های توطئه گرانه ارتجاع را نقش بر آب کنید. زیرا که ما کارگران دهرجا، دهر گوشه افغانستان که هستیم دشمن مشترک و تفرقه و تقص و نقص مشترک داریم، تا باشد که هر چه زودتر دیو پلید استبداد، ارتجاع، استعمار و لشکار زده شود و جیره‌تاریک صلح، دموکراسی، برابری و رفاه درافق کشور ما متجلی گردد.

کارگران پیشرو! به پیروزی تان ایمان کامل داشته باشید و از دسیسه و توطئه ارتجاع نهراسید...

دوست ارجمند غ. ش. کارگر!

شعر گرم و آکنده از احساسات بر حرارت شما، بازرسید. اینک بیستی چند از آن انتخاب میکنم و با آنکه تصرف بعنوان زبان حال کارگران شمشید بیده کشور ذیلا بنشتر می‌نمایم:

«حاصلش رنج و تعب، بششین لپو ولوب
درد بادآورده اینجا، شاخسار کارگر
بی لباس و بی نهار و پرودا افتاده است
تا شود ووشن چراغ بزم ارباب‌ستم
کود گردد دیده شب زنده دار کارگر
اشک چشم او شود امواج نوحیان بلا
قشره‌قشره سیل گردد آبنار کارگر
تا بد بادا سیه رویتو ای سرمایه دار
گر بگذری بعد ازین نیروی کار کارگر
گر نه بستاند حقوق خویش از دزدان کار
شمع برود اشک، فردا بر مزار کارگر
باخبر ای مدعی، بس کن ز ظلمت بی‌شمار
سیل بنیان کن بود، صبر و قرار کارگر
بگسلد زنجیر استمدا و استوار کن
استاداهنشین و استوار کارگر
شعله ور گردد بزودی کاخ استعمارگر
گر چنین گرم است و آتش ز شمع کارگر»

دوست محترم (ن.و) اوشیرغان!

شعر شور انگیزی را که از بیعتون کتب شایگان، بمناسبت افتتاح بهره برداری اگزیرورگا کارخانه سیمان پودین به اداره برج رسیده. ازین شعر که از احساسات تابناک و طبعی‌رسانه و درک عمیق شما نسبت به کار و شرافت کارگری نمائندگی مینماید. دوباره انتخاب و با کمی تصرف نشر مینمایم. البته فرقت شما در دهر سرشاری در خود استقبال و پرورش میدانم و امید وارم در زیر تاملات بیشتر، جنبه‌های بدیسی هنری آنرا نیز تکمیل بخشید و در روزی چون ستاره‌های درخشان در آسمان وطن کشور بر تو افشانی کنید. اینهم آنچه از شعر شما بخوانندگان ارجمند برج تقدیم می‌شود:

«بروی پیکر سنگین و خشک و خوارایت طاع
فروغ سیم فام صبح امید وطن لغزید
مسرت نغمه‌های برمه اندر دامنش پیچید
گل پیروزی رنج ز فزون کارگر خندید
جبال غول بیکر بس خیال انگیز و دهنش زان
ز سحر بیگانه آنچه های کارگر می‌رزد
عبوس تیره روئی و شکست و بی‌مهری
عزم و نیروی خلق انسان، نیست می‌گردد
نبودی ای توایم طاع جز انسانانی موهوم
به بزم کاروانان سمرقندی و ایرانی
قیام کارگر باب سعادت بر رخ بشکود
که قلبت گنج جاوید عظیمی کرد زانی»

محترمه بیغله (الف) ازلشگرگاه!

شکایت نامه درد انگیز شما که باز گوینده یکی از نتایج اشتباهات اشتباه و اسارت و زنجاری زندان کشور ما بود، به اداره برج رسیده. خواهر ارجمند! این تنها شصت و شصت است که بچنین مصیبتی مبتلا شده‌اید. وجود قوانین ظالمانه و رستم شد کرامت انسانی که مورد حمایت تمام نیروهای سیه ارتجاعی کشور می‌باشد. صدها هزار تن از دوشیزگان نجیب و عقیق افغانستان را در سیاه‌روزی کشانیده، سعادت نبوده است. تا زمانیکه همجو قواعت فرت و رستم خانان سوز پارچا یا سواد بازار انسان فرج شهباز گرم حیات هزاران نفر از دوشیزگان جوان و آرزومند کشور، چون سادست‌خوش‌ها و هوس غیر انسانی ارباب پول و ثروت خواهد بود. آنچه که ما میتوانیم بشما همبشاران چند وعده دهیم این است که: مبارزه عادلانه و بی‌کسری خویش را تا سرحد ریشه‌کن کردن تمام انواع بی‌عدالتی و زحامت و تأمین عدالت اجتماعی و زندگی شایسته کرامت انسانی ادامه خواهیم داد. تا موهوبان ارتجاع تاوانند دیرتر پیروزی‌های این جبار مقدس به آزادی حقیقی نایل آیند و ازین اسارت و زنجیرهای قوانین فساد و سطانی و رستم‌غیر انسانی رهائی یابند.

دوست محترم نوعال صوفی زاده‌ام میریچه کوت کوه‌دانه!

شما نوشته‌اید: «اینجانب بی‌طعمه برج خیلی مایل بودم و باشوروشوق انتظار نسخه نوین آنرا میکشیدم. خاصه بعد از نشر لغات و اصطلاحات بی‌عدالتی و زحامت و تأمین عدالت اجتماعی و زندگی شایسته کرامت انسانی ادامه خواهیم داد. تا موهوبان ارتجاع تاوانند دیرتر پیروزی‌های این جبار مقدس به آزادی حقیقی نایل آیند و ازین اسارت و زنجیرهای قوانین فساد و سطانی و رستم‌غیر انسانی رهائی یابند.»

سوش اوچون

غریب لرننگ اتحاد لسی زوربین دین
کو چلی تر لیر ویران بولر خلقلرم!
اه لی دینتک یلی بین دن‌هورین دن،
کتبه باشلر سر سان بولر خلقلرم!

قیان ایستمی ظلم او دلاری اوچر
غصه - قیفو قیان بلان شیردک دین کوجر
خلق او ستین دین قیان فر تگنوجر
د سیب عقل حیران بو لرخلقلرم!

حیران بولمانک آخر خلق قوزله لر
قبر و غصبل بران ایلاز تیر لفته‌تر
ظالمیر عیشلری آتسی بو لفته‌تر
سزه عیشلری د ویران بو لرخلقلرم!

یا شه میتم گونلر بلان بیل لرن
بلیب آلسق بلم لرین - چل لرن
هم آنگله دینق هنر لرن - آل لرن
آلسی ظالم کر یان بو لرخلقلرم!

ایندی سیز لر ییر بیلر بلان تابی شنگ!
خلق دشمنی بلان شیردک قبی شنگ!
سوش او چون آتلا مینتک چچی شنگ!
دا غلر سزه میدان بو لرخلقلرم!

برتن بولنگ خلقلر تاجک تورکله در!
بشتون و هزاره ییر بیره بولر دود!
اتحاد لی ایل لر داتنگن بو بولر دود!
مشکل لر گمز آسان بو لرخلقلرم!

«دخولدم مع یاتی»

د سمنبلی نهمه...

بیا دوی غیب غازی ستو دیوم که
نونئی، به ستو دیوم کی زرد گونله
خلک دهغوی شاندراراک تهوریدیل
او دهغوی دملاتی او هرکلی لپا ره
بی تازی بوته کی.
یاچا خان به غازی ستو د یوم کی
دینتو نستان د آزادی بخشو نکسی
نهبست به هکله بخپله وینا کسی
وویل: ... همدا رنگه ز مدافغانستان
د تولو خلکو او شوروی او دعارف
دشکارانو هم‌دیره دیره شکره ادا
کوم.

زه چه به افغانستان کی خو مره
گرزیدلی دی افغانستان تولو خلکو
او دعارف شاکردنوبه دیر صمیمیت
زما استقبال کری او دخپلی مرستی
او قربانی پیشکش بی رانه کی
او دافغانستان درنی اولسی جر کسی
به مخلط و ختونوکی ز مو بره
بوره ملاتی دوی، چه زده خان
مکلف گیم چه غازی ددی مینتی،
محبت او اخلاص تشکر وکرم.

چونکه د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

چو که د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

چو که د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

چو که د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

چو که د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

چو که د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

چو که د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

چو که د لته زه گورم چه داکترو
ملکونو خلک راجع دی، زه غوازمه
چه دوی دینتو نستان به مسأله
دو پاکستان دشمنی طبقی به اسلام
خبر کرم خو ختجه پرنگیانو
چه دافغانستان کی داعلیضرت
امان‌الله خان بستی دکتر پرو یا گنده
وگره او به افغانستان کی بی‌ولوی
اغتشاش او کی بر چو کی، مو بره
کوزنی بیستانه ددی نه دیرماتشوروی،
او به مو کی بی یو قوم می احسان
را ژوندی کی- مور دا محسوسه کیه
چه مو خو برسیه در چه برنگیان لیک
(انگریزی استعمارچیان) افغانستان کردو
هم آبادی او بیادینه نه بریر دی...

اقتصادی تعریفونه و اصطلاحات

ماخذ: د علم اقتصاد رساله

پشتو
مورد شیان اودکار وسایل په کینه
سره دتولید وسایل نومېږي. وسایل تولید
وسایل بخیل سرچینشی نه ستوی
ددی لپاره په دغو بڼو یا مالونو دایجاد
عملیه شروع شی باید دانسان دکار
نیرو (قوت) دتولید له وسایلو سره
یو ځای شی. ترڅو په دانسان دکار
قوت دتولید له وسایلو سره یوځای
شی نووی دتولید وسایل (کفصم)
دیر کلو نه یی تیر شی(پخپله دا
قدرت نشی پیدا کولی چه یو جز یی
شی تولید کایدی.

دکارنیرو(قوت): دکارنیرو د مغز
جسمانی او روحانی قواوو مجموع
ده چه دهغه په وسیله انسان قادری
خیلی مادی غوښتنی صحت کاندی-
په حقیقت کی دکارنیرو یو دا شی
امکان دی چه انسان یی له جسمانی
او دماغی لحاظه دکار کولو لپاره له
ځان سره لری.
دکار نیرو دتولید فعال عامل دی.
همدا نیرو ده چه دتولید وسایل
خوځوی او په کار یی اچری.
دتولید دافزارو له ترغی سره، دکار
استعداد، کاردانی، دتولید مهارت او
تجربه هم تکامل کوی.

مولدی نیرو گانی (قوتونه):
دتولید افزای چه دهغوی په وسیله
مال یا غوښتنه تولیدیږی او هغه
انسانان چه دتولیدافزار په کار اچوی
او دانسان داوتیا و اشیاء، په تولید
کی دمیمنتو تجربو معرفت دانستدای
په نتیجه کی هستوی- دتولیدی مولدی
نیرو گانی تشکیلوی.

بنا بردی مولدی نیرو گانی له دو
اصلي اجزاوو یعنی دتولید افزار او
انسان څخه اوله یوه فرعی جز یعنی
دکار له مشخص تجربیاتو او عاداتو
او مربوط معرفت څخه چه له دویم
اصلي جز سره نه تشکیلونکی بوند
لری- مرکبی دی.
دمولدی نیرو گانو په مینځ کی، انسان
عمده جز دی اوپه همدی سبب زيات
ایستو تکی پر گنی دپشر دتاریخ
په ټولو دورو کی دپشر ټولسو
تړ لو او عمده مولده نیرو ده.

دتولید روابط یا مناسبات:
مولدی نیرو گانی دانسان مناسباته
اشیاوو او طبیعت له قواوو سره چه
غوښتنو دتولید لپاره په کار یی تکی
خو دتولید په بهیر کی انسان
یواز له طبیعت سره کار نلری
بلکه بنوله بل سره هم مغزی
مناسباتو ته واردیږی او یو پر بل کی
اغیزه کوی.

روابط یا مناسبات تولیدی:
روابطی مولد مناسبات انسان را با
اشیا ویا قواوی طبیعت که برای تولید
خواسته ها بکار برده می شود تعد
تعیین میکند ولی در جریان تولید
انسانها فقط با طبیعت سره کار
ندارند - بلکه با یکدیگر نیز وارد
مناسبات معنیتی می شوند ونسبت
بهم تأمین مینمایند «آنها تولید
نمیکند مگر اینکه به نحو معنیتی
با یکدیگر همکاری کنند و فایده‌های خود
را باهم مبادله نمایند. برای تولید
کردن با یکدیگر وارد مناسبات و
روابط معنیتی می شوند و فقط در
حدود این مناسبات و روابط اجتماعی
است که آنها روی طبیعت انجام
میگردد، یعنی تولید میکنند.

یعنی (انسانان) تولید نکوی مگر
داجه په یوه معینه توکه یوله بل سره
هرسته وگړی او خپل فعالیتونه غوږی
سره مبادله کانی. دتولید ولولپاره
یوله بل سره ټاکسو روا ټشو ته
واردیږی او فقط دهمدی اجتماعی
مناسباتو او روابطو په حدودو کی د
همدی عمل پر طبیعت باندي انجام
مومی یعنی تولید کوی.

یوله بل سره دانسانانو مشخص
اجتماعی روابطو مادی غوښتنو دتولید
په عملیه کی، دتولید روابط یا مناسبات
بلل کیږی.

دتولید دنا سباتو اجزاء: دتولید
روابط یا مناسبات بخیله په دریسو
جزوو مشتکل دی:

۱- دتولیدو سانلو د مالکیت
شکل.
۲- په تولید کی د بیلو اجنای
چلو موضع او هغه روابط چه له دی
دوه دهغوی تر مینځ برقراریږی.

۳- دمحصولاتو دویش شکل چه
هغه بیا بخیله دتولید د وساتلو په
خود وابسته به مالکیت وسایل تولید
موضع پوری تړلی دی.

۱- شکل مالکیت وسایل تولید.
۲- موضع گروه های مختلف
اجتماعی در تولید و روابطی
که ازین حیث بین آنها برقرار می-
شود.

۳- شکل توزیع محصولات که
خود وابسته به مالکیت وسایل تولید
و موضع افراد در تولید است.



د افغانستان د کورنۍ اړیکو د پیاوړتیا
۱۸ نېټه ۱۳۴۷

رؤیداد های مهم سیاسی جهان

در هفته گذشته

هیستری خلقها

سازمان اتحاد و همبستگی خلقهای آسیا او فریقا کنفرانس
اسطری اری خود را در قاهره جهت پشتیبانی از مبارزه خلق ویتنام علیه
امپریالیزم امریکا در نیوسد. در کنفرانس که از ۱۰.۷.۱۰.۷
۹ سپتمبر ادامه داد. (۷۵) حزب سیاسی و سازمانهای عامه از (۴۲) کشور
آسیا و فریقا و ویتنام و کانون جنبشهای آزادی بخش ملی، که
در زمانه علیه رژیم های استعماری و نژاد پرست امریکا و جنوبی مبارزه
می نمایند. اشتراک کرده اند. وظیفه اساسی این کنفرانس اینست
است تا به هر طریق و وسیله ای که باشد پشتیبانی معنوی سیاسی و مادی خود را
از مبارزات قهرمانان نه خلق ویتنام بسط و توسعه بدهد.
در کنفرانس اسطراسری قاهره همبستگی از اتحاد شوروی نیز اشتراک
ورزیده است. ریاست هیات رامیر زاتورسون زاده رئیس کمیته همبستگی
اتحاد شوروی آسیا و فریقا بر عهده بود. در اعضای هیات نماینده کسی
اتحاد شوروی قیل از عربستان، کنگرانی مطبوعاتی ایالات
نمودند. نیز از نورسون زاده رئیس هیات نمایندگی شوروی بیانیتهای در
آن برآورد کرد. در بیانیتهای از جمله سایر موضوعات تا کنون که در جنگی را
که با ایالات متحده علیه ملت ویتنام پیش می برد، مدخله امریکا در لاس
تعرض اسرا تیل بر کتروهای غربی،
جنابانی را که نژاد پرستان فریقای
جنسیتی و استعمارگرانی
پرکنی می گویند، همجان
کرد تا های خند ملی و رانسیا، افریقا،
اروپا و امریکای لاتین همه خلقهای
بازنشین و بخشهایی از یک جنبه
منی نباشند. از پنجاست
که مبارزه در لیرا نه ویتنام
اتحاد شوروی آسیا و فریقا مشترک
خلقهای آسیا و فریقا بخاطر آزادی
ملی و آزادی اجتماعی شان اهمیت
خاص دارد.
سعدالدین مرسی معاون مشی
عمومی سازمان اتحاد آسیا و فریقا،
که در این کنفرانس مطبوعاتی حضور
داشت. ملی مصاحبه ای اظهار نمود
که نقش کنفرانس بدلیل مختلف
قابل اهمیت است. مهمترین دلیل
آنست که کنفرانس قاهره در
زمانی صورت میگیرد که در او فضای
کنونی بین المللی سیاست امریکایی
کاملاً افشا شده است.
سعدالدین مرسی گفت که اوقات
در هر گوشه جهان گواهی این حقیقت
است که امپریالیزم و فریقای خود را جمع
آوردی ویتنام، و می خواهد به تعرض
عمومی علیه مردم آزادی وترقی دست
بزند. بطور طبیعی ویتنام یکی از
نقاط کلیدی جنبه است که امپریالیزم
ضربات خود را بر آن متمرکز می سازد.
موسوف درخا تمه اظهار داشت:
من مطمئن است که کنفرانس قاهره
تصمیم عمده عملی اتحاد خواهد
نمود که صرف بروی کاغذ یا فی
نخواهد ماند. بلکه در سطح
عمل در هر سطح تطبیق گسترده
خواهد شد.
مسماهی مشترک ملل جهان،
امپریالیزم را چقدر ویتنام در چهره
دیگر بخش های جنبه آزادی بخش-
ملی به شکست می چرخد، نمود.

دسنبله نهمه ورخ

دسنبله نهمه نیته د خنکو
ددموکراتیک جریان مرمنو، نجو نو
او خلقی زلمیانو دافغان نستان او
پشتونستان دتورو ملی او وطنپالو
جریانانو، مخالفو او وکیو، پسه
منگرتیا دپشتونستان دپسرت ملی
مشترخان عبدالغفار خان نسره، د
پشتونستان دملی ورخی په اجتماع
او جلوس (دیاستانتز امیون او
مینتک) کی گبون وکی
دخلك دموکراتیک جریان دعلمی
جهان بیی داصو نو او اجکامو
برمینا او دخلك دموکراتیک برا
اصل براساس او دسیکی ملی او
بین المللی وظیفی سره سم د
پشتونستان دآزادی بخشونکی نهضت
ملای کوی او هغه له امپریالیزم
ارتجاع او ملی مسم سره مخامخ
معارض بولی.

دپشتونستان دآزادی بخشونکی
نهضت په یاره کی زموږ دچریان
موقف دهغی رویشانه خط مشی او
کی نلار په اساس چه دریم په ۲۵
کلیا په تیره دهغی په سرمقاله
(دژور خور دو خط مشی متضاد...)
کی توضیح شوی دی بالکل علمی او
منرفی نحوه لری.
موږ له هغو نظریاتو سره کلک
مخالفت لرو چه دپشتونستان دآزادی
بخشونکی نهضت، دحاکمه طبعا
له خوا دترو راز پولیسو نظارت
لاندي راولی، او ویتنام او پلورچ
خلک دپایوه، پکر اخیستونکی او
وروسته یانې ښکر په جیت، دچکره
مار او تیری کونکی امپریالیزم

مطیبات چیان نغرب بطور مستقیم
اظهار مدارد که تل ایس نه نشیا
اکسفاتیکو چکو سلوا کی را از نزدیک
تعقیب میگرد، بلکه سعی می در زایل
حتی خا روج ازا مگانا تا خود اجزای
این بالانیا را پیش ببروازین واقعات
به هغه خود تیره نلوردا وی نفا بد
روز نامه عراقی مو سوم به به افغان
ابزروری می نویسد که: دسیسه
امپریالیزم است که با ما همبستگی
و تعرض صیبو بیان بر کشور های
عربی دو بیولو یک بلان میباشند.

دروانیقا: سوازی لند که آخرین
مستعمره انگلستان در قاره افریقا
بود، به آزادی تبدیل گردید.

فقدان المناک یکتان از دانشجویان وطنپرست و ترقیخواه

دارالمعلمین عالی

جندی قیل در رات سقوط موثر دروا ناهموار پنجشیر، دو پیلوسوی سایر قربانیان این حادثه غم انگیز. جلال الدین محصل صنف دوم دارالمعلمین عالی، یکتان از دانشجویان با استعداد، وطنپرست، و ترقیخواه و مبارزه پنجشیر نیز بشکل انوهایری با زندگی وداع کرد! جلال الدین فقید، خلق و وطنپرست دوست داشت و بغاظرهائی آن از ستمهای ملی و طبقاتی دوشادوش سایر جوانان وطنپرست و ترقیخواه مبارزه میگرد. مرگ ناگهنگام او سانه دلغرائی بوده که قلوب رفقا، دوستان، خانواده و نزدیکان او را بدست جریحه دار ساخت.
نسبت به مرگ ناگهنگام او در دوران این جوان پر استعداد و همکار فداکار و درجه اول عمیقترین تأثیرات خود را بر او و بنام رفقا و دوستان، هم وطنان و یگانا نواد دناغدهیده و نزدیکان وی تسلیت میگوید.

مطالبات قانونی مردم نجیب پنجشیر

دو هفته قبل مردم نجیب پنجشیر برسم عزاداری قربانیان حادثه مرگبار سقوط موثر در دروا تنگه، اجتماع بزرگی تشکیل دادند. درین اجتماع مسالمت آمیزه کثیری از دهقانان، کارگران، و شاگردان بیونخبهای متوسطه (بازارک) ورزخه) اشتراک داشتند.
درین اجتماع ضمن دادن شعارهای گرمی علیه استبداد و ارتجاع و تقاضای توسیع، تسطیح و بخشه کاری هرچه زودتر سرک پنجشیر، اشعار ایلامی قرائت گردید و بیانیتهای پرشوری جیتی بر ضرورت همبستگی نیرومند مردم در مبارزه علیه دشمنان مشترکشان داده شد و از آنان دعوت بعمل آمد تا هر چه بیشتر خوشیاری و آگاهی خویش را در برابر عمال کینه کار ارتجاع و بدنگان کوش بهرمان و جیره خوار- مستعبدانه گشود، که با همه سواقی تاریک و ستم مردمی خود، ظاهراً از قومیت دم می زنند و خود را کلو در مردانهای ارتجاع و بدنامی غرقتند. موقع نموده تا با اصرار ایامات اروا و دوعیای میان و بدنامی میان ایشان و فرزندان صدیق و فداکار آنان فاصله ای از بدبینی و عدم اعتماد ایجاد نمایند.

در پایان این اجتماع قطعنامه ای صادر گردید مبنی بر اینکه: سرک پنجشیر هرچه زودتر تسطیح و بخشه کاری شود. از خود برسیا، رشوه سناهی- ها، اخلاص و کار شکنی مامورین، چاویگیری بعمل آید، از پرورده اشکاف دعات فقط نامی وجود دارد باید وسایل و پرسونل لازم بمان داده شود، وضع اداره و تدریس در بیونخبهای (رخه) و (بازارک) شکل قزوق وسطانی دارد و یا شاگردان باچوب و چماق معامله می شود، باید پرسنل اداری و تدریسی آن، هرچه زودتر به عیانت آگاه به اصول اداره و تد ریس نام صبر و غنا صبر و دموکرات و افکار گردد. بایسد بفرض حفظ صحت و سلامت مردم، این اساسی ترین بیانگذار و تکامل دهنده عینی اجتماعی کشور، لاقبل یک شفاخانه ده بستری در پنجشیر تاسیس شود. تعمیر بیونخبسی متوسطه پنجشیر یا آنکه در حدود نجهاد کل افغانی از حساب خلص شریف کشور بخاطر اعمار آن، در جیب تیکه دار و متحدین حکومتی- اش ریخته شده، تاکنون که دهمال از آغاز کار آن میگرد تکمیل نشده است. باید سرعت متکانه عاملین آن مورد باز پرس شدید قرار گرفته و تکمیل عمارت مذکور برداشته شود. **پوچم:** در حالیکه خواستهای مردم شریف پنجشیر را کاملاً نونی میداند و آنرا جدا تأیید مینماید، مبارزه خویش را در راه نامین مطالبات مشروع آنان ادامه میدهد.

استعداد او امپریالیزم در غری سرماهی داری نظام له ماهیت نه ذریعلی او بل هیخ نازون چه نلری، دامپریالیزم او نوی استعداد میلین نوشتن کوی چه داستعمار، امپریالیزم او استعداد اشعار دمتخو سسی خیری دو بولو لیره او ددی بغرض چه دانسی او افریقا دفرنت مغه بلی خوانه دپوی نوی اصطلاحات لکنه شرفی استعداد او نور اختراع کوی.
موږ دخلو منرفی تیسینو نو نیر نیاد چه زوری علمی جری لری دپشتونستان مساللی ته دواو سستی بیی- او نری دپوید امپریالیزمی ضد ارتجاع عسی او دشمنی ستم ضد مساللی به ستره گه رو. نو بکنه **دخلك دموکراتیک** دپشتونستان دآزادی بخشونکی نهضت دملی ورخی په دیماسترا سیزون او متینک کی براخ گبون وکی **دیاستانتز امیون** دپشتونستان له خاور لاری له دسپاره په ۷ بجو شروع شو.

دخشو دموکراتیک جریان جلوس ته ستر عظمت ور بخشلی و بهرمنو او نچونو دافغانستان دپشتون، ازیکو او هزاره وو خلکو چایی اغو سستی دی او ورپسې خلقی زلمیانو به کده سره دپشتونستان ملی ترانه غروله. **دخلك دموکراتیک** مظاهره کوونکو دمنظومتو رنو دیاسه داورودوسرو شعارونو خپه خویشیالی و دشمنان و او ترانو خونه خپه سره دافغانستان په فضا کی دنیضت نوی مرحله منگمگوله. دسرو اورودوجینو دیاسه داشعارونه لیکل شوی وو:

دپشتونستان آزاد او مؤقت حکومت یی جوړ شی (پشتو).
دخود اراد دحق دپشتونستان دخلکو له انکار یونکی حق دی او دپشتون اورود قهرمانه نانه ما د زو هغه ثابت کی بی. (پشتو)
سیر چم دموکراتیک خلق، مدافع صدیق نهضت دپهاری سخیشتن نستان (دری).
سپاروی دی وی دافغان نستان او پشتونستان دموکراتیک او ملی تحریک (پشتو).
سویون بیت پشتون و بلوچینی استماتی وکی سرچاری (بلوچ).
سرتکون باد امپریالیزم دشمن عمده خلقیا. (دری).
شوتون افغانستان، خلقی پشتون و بلوچ خلق لری ملی نجات بیرگوچی حرکتی، ایا و سیزر حما په قیلنه دی (ازیکو).
سمرده باد استبداد، ارتجاع استعمار و ستم ملی (دری).
په لیکل شویو شعارونو سر بریبه خلقی زلمیانو او نورو ملی او وطنپالو قوتونو تر غا تی سبو دیوم بسو دی دارتجاع، استبداد او امپریالیزم او دامرکی دامپریالیزم، دسیا تو او مستو دیکونو بر ضد او دسیا تو افریقا او لاتینی، امریکا دملی آزادی بخشونکی نهضتو بیابه کتیره د ویتنام دپهاریانو خلکو او عربی ولسونو دآزادی بخشونکی نهضتو

یه خلکو خلکو!

یه خلکو خلکو دو طن خلکو!
یه ووزو تریو غفرو وگرو!
آزادی خه ده، خیلوا کی خه ده؟
یه در قربان شم لو خو لغرو
که وطن لوخ وی، که وطن وروانوی
خیلوا کی خه ده، آبا نیخه ده؟
که لوپول وی، که غرغول وی
سمسوی خه ده، آزادی خه ده؟

بی بوچه خا وره آزاده ند
بی بوهی خلک واړه بندان دی
دایشی لوخی، دا په سن و پی
واړه مریان دی، پوول غلامان دی

که آزادی ده که خیلوا کی ده
دخو سرو ده دپولو نده
که کامران ده، که واکداری ده
دخو قضرو ده دشپو لو نده

آزاد هغه وی چه به تن پپ وی
آزاد هغه وی چه به نس مو وی
آزاد هغه وی چه وا ک بی خیلوی
آزاد هغه وی چه به خان جو وی

آزاد هغه وی چه کوربی خیلوی
یه جیان بشو وی که لری ونی
آزاد هغه وی چه به هرگام کی
هم تگ ونی، هم گری ونی

یه ووزو تر یو، یه ده غلامانو...
لیر را بدار شم دو نه قربان زلم
یه در واری شم را گرن دی شی
نه چه بو را شم، نه چه مستون شم

راخی چه یو شو، راخی چه خیل شو
په کله ما ت گرو دا خنخرونه
راخی چه بریکو، راخی چه مات گرو
مرغلین بری، نور زمانانو

له غرو دغوونو، له دو یا بوونو
له سیرو دپشتو، له تو دو خونو
سره داپولوش، سره قوت شی
په سیلاوونو، په توفانونو

ای لوبه و لسه ته یه خان بو دی
ته سرتو قوت بی، له کی ملتانی
هم آرا دی بی، هم افتخاری
هم شرافت بی، هم کرامت بی

د تاریخ کورنی، د زمان پانی
په تا وکیری، په تا غزبری
د اگری لاری، دا لو بی کنی
په تا سمیری، په تا وکیری

که خوک قوی دی، خونا قوی که
که خوک کمزوری، دنا کمزوری
که تا بل شوی، له تا جگ شوی
که چیری اوردی، که چیری شودی

سلیمان لایق

به گنه ستازونه ورگول.
دظاهری به اووردو کسی د خلغی
دخلك دموکراتیک زلمیانو او زلمیانو عالی انضباط جزر کونسو
نورو وطنپالو او ملی عناصرو د
دظاهری به ترج کی دافضا، نظم او
دگرزیدی، کله چه دظلم سیری
دسیلین عالی معیار تمثیل کی.

د امتیاز خاوند او مسئول مدیر: سلیمان لایق

دولتی مطبه